

## هنرمند یا متخصص هنر؟

سحر یعقوبیان

آموزش هنر آکادمیک در ایران امروز

- چه عواملی را باعث بی‌انگیزگی و بی‌تفاوتی دانشجویان این رشته می‌دانید؟
- خیلی واضح و روشن است: عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.
- چرا استاد از سر و کله زدن با دانشجوی لذت نمی‌برد؟

وقتی عشق دانشجوی هنر نباشد و هدف او فقط تبدیل مدرک دیپلم به لیسانس باشد و دانشجوی پذیرفته شده در کنکور هم هیچ اطلاعات پایه‌ای از هنر نداشته باشد، با فرض درجه ۱ بودن استاد هم، دانشجوی وقتی خواهان یادگیری نباشد، هیچ کاری نمی‌توان کرد.

البته دانشجویی که به راحتی با یک مدرک فوق لیسانس می‌تواند استاد شود و حقوق بگیرد مسلماً احتیاجی به فراگیری از استاد ندارد!



● مسعود سپهر، متولد ۱۳۳۵ تهران، کارشناس طراحی گرافیک و برنامه‌ریزی چاپ از دانشگاه چاپ لندن و مدرس گرافیک است.

● معیار...؟

معیار، سازمان آموزش عالی است که غیرقابل نفوذ است. آموزش عالی، خود مدرک‌سازی می‌کند، و به دارنده‌ی آن مدرک اجازه‌ی تدریس می‌دهد.

● آیا...؟

توانایی، تسلط و تجربه مدرس است که اهمیت

مراجع به دست آورد، ولی جایی برای معیار انتخاب وجود ندارد و باید زیرمعیارها عمل کرد.

● آیا نقش مدرک تحصیلی در انتخاب استادان هنر موثر است؟ آیا مدرک می‌تواند معیار انتخاب یک استاد خوب باشد؟

مسلماً مدرک تحصیلی مهم است! اگر فوق لیسانس نداشته باشید نمی‌توانید در این دانشگاه‌های ایده‌آل و فوق‌العاده درس بدهید!

● سطح آموزش در دانشگاه‌های هنر چگونه است؟

هدف یک نگاه معاملات ملکی فقط فروش و این وسط حق الزحمه‌ای دریافت کردن است. دانشگاهی که عملکرد آن مثل یک نگاه معاملات ملکی است (می‌توان به این دانشگاه نگاه معاملات فرهنگی - آموزشی هم گفت)، دیگر اصلاً سطحی وجود ندارد.

● مبنای تدریس در رشته‌های هنر در دانشگاه‌ها چیست؟

یک سرفصل‌گذاری بیست و یکی دو ساله‌ی کهنه و غلط برای دروس در دانشگاه وجود دارد که حتماً مبنای این «چارت» هم رعایت نمی‌شود. این برنامه هر قدر که غلط باشد می‌تواند خیلی بهتر از بی‌برنامگی عمل کند. مبنای این سرفصل‌گذاری به وسیله‌ی ستاد انقلاب فرهنگی گذاشته شده است.

● در دانشگاه‌های هنر بین استادان هماهنگی وجود دارد یا خیر؟

به هیچ وجه. یکی از شرایط اصلی هماهنگ بودن، داشتن بنیه‌ی قوی و هماهنگ بین آن‌هاست. در دانشگاه‌ها ما همه‌جور اتفاقی را می‌بینیم. دانشجویی که چند ترم قبل از من نمره نیاورده، حالا استاد در همان دانشگاهی است که من هم در آن تدریس می‌کنم!

● چه پیشنهادی برای برنامه‌ریزی آموزشی در دانشگاه‌های هنر دارید؟

دوره‌ی سه و نیم ساله‌ی لیسانس باید تقسیم به دو مرحله‌ی دو ساله با هدف آموزش فنون و یک ساله با هدف آموزش خلاقیت شود. در تمام ترم‌ها به صورت مستمر طراحی وجود داشته باشد.

برای تحقیق و نظرسنجی درباره‌ی مسائل و مشکلات استادان و مدرسان رشته‌ی گرافیک به دانشگاه‌های هنر سری زدم و با طرح چند پرسش کلیدی از آن‌ها درباره‌ی سطح آموزش، برنامه‌ریزی درسی و... سوالاتی کردم. اگرچه نمی‌توان به بررسی تمامی مسایل و مشکلات این استادان پرداخت و حتا راه‌حل‌هایی پیشنهاد داد، امامی توان با استفاده از دیدگاه‌های صاحب‌نظران و استادان این رشته، راه‌کارهایی مناسب پیدا کرد.



قباد شیوا، متولد ۱۳۱۹ همدان و کارشناس رشته‌ی نقاشی از دانشکده‌ی هنرهای زیبا در سال ۱۳۴۵ است. او در سال ۱۳۵۶ شروع به تحصیل در رشته‌ی علوم طراحی ارتباطات، مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه Pratt نیویورک کرد و در ۱۳۶۰ به ایران بازگشت. وی هم‌اکنون مدرس گرافیک است.

● معیار انتخاب استادان در دانشگاه‌های هنر چیست؟

قبل از انقلاب در دو دانشکده‌ی هنر که در ایران بود، با تعدادی محدود دانشجو و استاد روبه‌رو بودیم، ولی بعد از انقلاب متقاضی رشته‌های هنر زیاد شد و دانشگاه‌ها نیاز به استاد داشتند. پس به غیر از استادان درجه ۱، استادان درجه ۲ و ۳ و... هم پذیرفته شد. آن استادان، دانشجویانی را تربیت کردند که در حال حاضر استاد هستند. معیار انتخاب را می‌توان خیلی راحت از بسیاری

دارنده مدرک وی.

### ● سطح...؟

تعداد بالای واحدهای دروس عمومی نسبت به دروس تخصصی، عدم وجود کارگاه و سیستم هماهنگ، مسدود بودن راه ورود به شورای دانشگاه، عدم تربیت دانشجو با توجه به نیازهای روز، وجود استادان با دانش گذشته و ناتوان در آموزش، مسلماً باعث افت و پایین آمدن سطح آموزش می شود.

### ● مبنای...؟

قبل از انقلاب، استادان باتجربه در شورای عالی برنامه ریزی آموزشی بر اساس تجربیات و دانسته های شان به شورا پیشنهاد می دادند. با مرور زمان استادان قدیمی از بین ما رفتند، ولی آن برنامه ریزی قدیمی باقی ماند و از آن الگوبرداری مستمر شد و چون قانونی وجود نداشت هر کس به میل خود به آن اضافه یا از آن کم می کرد. دیگر مطالب تدریس شده ربطی به عناوین تایید شده نداشت. این استادان، دانشجوی بی سواد تربیت کردند. دانشجوی بی سواد از دانشگاه مدرک گرفت و دوره ی بعد مدرس شد. پس مبنای تدریس شد مدارکی که خود دانشگاه های دادند!

### ● در دانشگاه های...؟

از طرف مدیر آموزش تمایلی برای هماهنگی در دانشگاه دیده نمی شود. شورای استادان هم وجود ندارد. ارتباط با شورای آموزش عالی هم غیر ممکن است.

### ● چه پیشنهادی...؟

توجه به نیازهای روز و محدودیت در پذیرش دانشجو.

### ● چه عواملی...؟

برنامه ریزی غلط و عدم توجه به نیازهای روز و محیط ناباور مسلماً دانشجو را بی انگیزه خواهد کرد.

### ● چرا...؟

با سست شدن پایه های آموزش و مشاهده ی معلولیت های آموزشی و ناتوانی های کاری، دیگر توانی برای استاد باقی نمی ماند تا با دانشجو سر و کله بزند.

شهناز زهتاب، متولد ۱۳۳۷ تهران، کارشناس ارشد نقاشی از دانشگاه آزاد اسلامی است، که در حال حاضر در رشته ی طراحی تدریس می کند.

### ● معیار...؟

در شرایط فعلی، انتخاب بستگی به معیارهای رییس گروه دارد. رییس گروهی که خودش با روابط به جای ضوابط کسب مقام کرده، از همین قانون هم برای انتخاب پیروی خواهد کرد، که انتخاب های اشتباه نتیجه ی آن است و با توجه به



بیشتر بودن عرضه نسبت به تقاضا می شود انتخاب های اشتباه و دستمزدهای عجیب و غریب را دید. این سیستم باعث از دست دادن باسوادها می شود.

### ● آیا...؟

با درآمیختن دنیای هنر، مدرک دیگر اهمیتی ندارد. هنر، تفکیک پذیر نیست. کیارستمی با دارا بودن مدرک نقاشی یک کارگردان برجسته است. استاد خوب باید محقق و به روز باشد. ولی در دانشگاه های ما این استاد بایکوت خواهد شد. چون او باعث ضایع شدن استادان دیگر است. در نتیجه شاهد نزول، عوض صعود خواهیم بود.

### ● سطح...؟

برنامه ریزی درسی حال حاضر بیست و پنج، بیست و شش ساله است که در آن زمان هم پنجاه سال نسبت به کل اروپا عقب بود. پس تا این جا هفتاد و پنج سال از خدم معمول دانشگاه های هنر اروپا عقب هستیم.

تحت تاثیر برنامه ریزی، روش تدریس هم عقب مانده است، تا آن جا که موفقیت بیشتری در روش تدریس کلاس های خصوصی به دلیل حوزوی بودن و پله پله جلورفتن آموزش می بینیم. در آتلیه ی طراحی کشورهای مثل ایتالیا، فرانسه و آمریکا هم دانشجوی سال اولی دیده می شود، هم سال چهارمی، و این به دلیل اهمیت سطح معلوماتی و توانایی شخص دانشجویست.

### ● مبنای...؟

در دانشگاه ها از سوی مدیر گروه سرفصل هایی به استادان داده می شود، ولی بدون مبنای خاصی، مگر آن که خود استادان به صورت دوستانه مبنای برای خود قرار داد کنند... از سیستم کلی خبری نیست.

### ● در...؟

به صورت خاص و مشخص شده خیر. گاهی رییس آموزش و گاهی خود استادان سعی در این هماهنگی دارند، ولی مسلماً یک برنامه ریزی فراگیر که جزو اصول آموزش عالی باشد، می تواند به این سیستم ناهماهنگ کمک کند.

### ● چه پیشنهادی...؟

مهم پیشنهاد نیست، پیشنهاد زیاد است. مهم خواست و توانایی سیستم برای اجرای پیشنهاد است.

### ● چه عواملی...؟

این بی انگیزگی در حال حاضر بین تمام مردم عمومیت دارد. بی تفاوتی را در همه جا می توان دید. دانشجو با جان کندن وارد دانشگاه می شود و بعد از فارغ التحصیلی با بی کاری مواجه می شود. عامل اختلال کل حرکت جامعه؛ این برای بی انگیزه بودن کافی است. در ضمن با این سیستم اطلاعاتی جهان گیر، دانشجو واقف به محیط خارج است و سطح معلوماتش بالا رفته و با مقایسه بین محیط دانشگاه با آن استادان بی سواد و آن محیط پیشرفته باز هم دلایل بی تفاوتی بیشتری پیدا می کند.

### ● چرا...؟

تدریس دیگر مثل گذشته آسان نیست. دانشجو مطلع و داناست، و استاد، بی اطلاع و ناتوان و در ضمن از نظر مالی تامین نیست. کمبود اطلاعات و مضیقه ی مالی، استاد را نیز بی انگیزه می کند.



بابک گرمچی، متولد ۱۳۳۸ اردبیل، کارشناس رشته ی گرافیک از دانشکده ی هنرهای تربیتی دانشگاه هنر و مدرس رشته ی چاپ.

### ● معیار...؟

با نگاه مثبت: استفاده از روابط و شناخت. با نگاه منفی: باندبازی. البته یک قانون ناقص هم وجود دارد که برای تدریس در هر مقطعی استاد باید مدرک مقطع بالاتر را داشته باشد. به طور کلی یک سیستم قانون مند در دانشگاه های هنر عمل نمی کند... معیار باید کار و دانایی نسبت به کار باشد.

### ● آیا...؟

هنر، مدرک پذیر نیست، چون هنر مهارت پذیر است. استاد باید شیوه ی تدریس و ارتباط با دانشجو را بداند.

## ● سطح...؟

مدیران آموزش به کار استادان ارجح نمی گذارند. اغلب استادان دانا نیستند، چون سرفصل های دروس، قدیمی و ناهمگون است. پس دانشجو و استاد هر دو بی انگیزه هستند. در یک چنین سیستمی سطح آموزش مسلمان محکوم به سقوط است.

## ● مبنای...؟

در دانشگاه های ما تداخل سیستم قدیمی اروپایی با قوانین عجیب و غریب و من درآوردی، یک سیستم بی برنامه و بدون کاربرد و طوطی وار را به وجود آورده، تا آن جا که دانشجوی فارغ التحصیل هیچ چیز از هنر نمی داند.

## ● در دانشگاه های...؟

به هیچ وجه. مدیران آموزش هم اصلاً تلاشی در این زمینه نمی کنند. نه استاد و نه دانشجو نمی دانند که در طول ترم چه چیزهایی باید درس داده و گرفته شود.

## ● چه پیشنهادی...؟

در ابتدا بستن در تمام دانشگاه های هنر و بعد خصوصی سازی آن ها؛ البته تحت نظارت دولت. بعد، کنار گذاشتن تمام قوانین گذشته و برنامه ریزی جدید تحت تاثیر شناخت فرهنگ جامعه.

## ● چه عواملی...؟

دانشجو با مشقت فراوان وارد دانشگاه می شود، اما با محیطی روبه رو می گردد که هیچ چیز برای اتکا کردن به آن وجود ندارد. دانشگاه، فاقد حرکت و جو هنری است، و او هنوز از این بهت مواجه با این موقعیت بیرون نیامده که آینده ای محو و منظره ای بدون پرسپکتیو را پیش روی خود می بیند!

## ● چرا...؟

دیگر، دانشگاه های هنر جایی برای فهمیدن و فهمیده شدن نیست. دانشجوی بی انگیزه، مدیران آموزش بی تفاوت، عدم ارزش گذاری بر ضرورت ها و... تمام شور و شوق استاد را از بین می برد.

حمیدرضا و صاف، متولد ۱۳۴۹، کارشناس ارشد گرافیک، استاد دانشگاه هنر آزاد اسلامی و مدرس گرافیک و تصویرسازی است.

## ● معیار...؟

در مقاطع مختلف بعد از انقلاب این معیار متغیر بوده است.

در اوایل باز شدن دانشگاه ها - بعد از انقلاب



فرهنگی - معیار، تدین شخص بود. با گذشت زمان، مدیریت فرهنگی به تجربه به این نتیجه رسید که تدین خالی در فضای آموزشی کافی به نظر نمی رسد! پس شعار تدین + تعهد راسر داد. با گذشت زمان، این نظریه هم جواب نداد. پس معیار، متدین + متعهد + متخصص در دستور کار قرار گرفت و بعد از چندی اولویت معیارهای این پذیرش به متخصص + متعهد + متدین تغییر یافت. اما دیگر برای جواب گرفتن از این معیار، کمی دیر به نظر می رسید. چون آدم های میان مابه تمامی پست های کلیدی را قبضه کرده بودند. در نتیجه، آن ها نفوذ آدم های کارآمد را مسدود یادر حد یک استاد حق الزحمه ای محدود کردند.

در هر حال «نظام معیاری» به «شخص معیاری» تبدیل شد.

## ● آیا...؟

کمتر جاودانه ای را در دنیای هنر می شناسم که دارای مدرک آکادمیک در رشته هنر باشد. اما این مطلب را باید یادآور شد که دانشگاه های هنر محلی برای تربیت هنرمندان نیستند، بلکه محلی هستند برای تربیت متخصصان هنر. یعنی وظیفه ی دانشگاه جمع بندی اطلاعات، طبقه بندی، تجزیه و تحلیل آن و در نهایت پیش بینی در امتداد این روند است. مثلاً شما می توانید درسه ترم، روش پوسترسازی «مکتب لهستان» را در حدی که دانشجوی پوستری بی عیب بسازد از طریق تدریس به دانشجو ارائه بدهید. تا این جا شما یک متخصص خوب تعلیم داده اید، نه هنرمند. چون پوستری بی عیب ساختن با پوستر خلاقانه ساختن فرق می کند. این همان فرقی است که بین متخصص هنر و هنرمند وجود دارد.

پس اگر نظام متخصص سالاری به معنای واقعی به وجود بیاید، مدرک تحصیلی هم می تواند معیاری برای انتخاب باشد. چون

هنرمندان عالی بسیاری هستند که استادان خوبی از آب درنیامده اند. باید پذیرفت که تدریس و نحوه ی تدریس، خود یک علم است.

## ● سطح...؟

مطلق گویی در این زمینه احتیاج به آماری دقیق دارد، ولی آنچه من می بینم دلچسب نیست.

## ● مبنای...؟

همان طور که گفتم در نظام میان مابه ای که به وجود آمده است و اطلاعات شخص مبنای تدریس می شود، استاد، کاری به برنامه ی درسی دست و پا شکسته ای که از سوی مدیر گروه ارائه می شود ندارد و هر چیزی که خود را در آن کمی مسلط می بیند درس می دهد. اگر دانشجو کمی بدشناسی بیآورد امکان دارد فارغ التحصیل بشود و به فرض، فرق نشانه ی تصویری و لوگو تایپ را فراموش کند.

## ● در...؟

به هیچ وجه. تجمع استادان به مرور زمان منجر به اصلاح و برنامه ریزی در امر تدریس می شود، و این به هیچ وجه مطلوب میانمایگان نیست. چون جایگاه خود را در خطر می بینند.

## ● چه پیشنهادی...؟

با ساختار فعلی، تحمل برای اجرای اصلاحات باحفظ ساختار وجود ندارد، چه برسد به پیشنهادی که زیرساخت را مورد نظر دارد!

## ● چه عواملی...؟

چیرگی میانمایگان بر نخبگان و عدم ارایه ی الگوهای ارزشی از عوامل اساسی بی انگیزگی دانشجویان است.

## ● چرا...؟

عوامل زیادی درگیر این ماجراست که مانند حلقه های زنجیر به هم پیوسته است. ولی یکی از اساسی ترین آن از طرف دانشجو نداشتن امید به بازار کار و از طرف استاد هم بی ارج نهادن شدن و حتا بایکوت شدن از طرف هیات مدیره است. □

## نشر میر کسری

یاری دهنده ی شما  
در چاپ و نشر آثار تان است.

تلفن: ۸۳۱۹۹۱۳